



## مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظران حوزه بانکداری اسلامی

به موازات برگزاری سی و دومین همایش بانکداری اسلامی با موضوع نظارت و تطبیق شرعی در بانکداری اسلامی؛ مبانی نظری، تجارب جهانی و توصیه‌های سیاستی، مصاحبه‌هایی همسو با محورهای همایش با برخی از کارشناسان و صاحب نظران حوزه بانکداری اسلامی به عمل آمد. در این راستا همراه می شویم با جناب آقای دکتر اکبر کشاورزیان، عضو محترم هیأت‌عامل بانک سپه و معاون اجرایی شرق کشور

آقای دکتر سلام علیکم، ضمن تشکر از جناب عالی، بابت حضور در این مصاحبه تخصصی، از اینکه با ارایه نظرهای عالمانه خویش نسبت به سوالات مربوط به محورهای همایش بانکداری اسلامی، ارایه نظر فرموده و با ما همراه هستید، بسیار سپاس گزاریم.

**سوال اول:** تفاوت اساسی نظارت و تطبیق در بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا چیست؟

برای پاسخ به این سؤال بایستی ابتدا سراغ تفاوت اساسی در مبانی بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا رفت. بانکداری بدون ربا به ارتباط عملیات بانکی با اقتصاد حقیقی اهمیت ویژه‌ای داده و برای اینکه تراکنش‌های اعتباری، ارتباط یک‌به‌یک با معاملات و مبادلات بازار کسب‌وکار داشته باشد، بانک را در قالب عقود مبادله‌ای و مشارکتی یک طرف معامله با مشتری قرار می‌دهد. این در حالی است که در بانکداری متعارف، بانک به اسناد منتشر شده از مبادلات و معاملات (بدون رصد واقعی بودن معاملات) تکیه کرده و طرف معامله با مشتری در بازار کسب‌وکار قرار نمی‌گیرد. بنابراین، فلسفه‌ی وجودی بانکداری بدون ربا به‌غیر از مباحث پیچیده‌ی حذف ربا، در تمرکز بر توازن اقتصاد مالی با اقتصاد حقیقی است و دلیل اصلی مطرح شدن ربا در عقد قرض، جدا شدن مال قرض داده‌شده از اقتصاد حقیقی یا به عبارت روشن‌تر، فقدان حکم شرعی قرض‌گیرنده در خصوص مصرف مال قرض گرفته‌شده در اقتصاد حقیقی است. با این مقدمه، رسالت اصلی در نظارت و تطبیق، به‌ویژه در بانکداری بدون ربا، روشن می‌شود. نظارت و تطبیق دارای دو جنبه‌ی مختلف در بانکداری کشور است. یک جنبه‌ی مهم و راهبردی، که با تکیه بر مبانی عقلانیت در هر دو نوع بانکداری مشترک است و بایستی در نهاد مدرن بانک با هدف ایجاد استحکام و قابلیت اعتماد و اطمینان در نهاد غیرمتمثل پولی رعایت شود. این جنبه از نظارت و تطبیق که پس از بحران مالی

۲۰۰۸ ایالات متحده آمریکا در همه‌ی کشورهای جهان سختگیرانه‌تر شده، در شاخص‌های بین‌المللی، به‌ویژه در رهنمودهای کمیته‌ی بال ارایه شده است.

جنبه‌ی دیگر از نظارت و تطبیق که خاص بانکداری اسلامی است، به‌موضوعات رعایت شریعت می‌پردازد. این جنبه از نظارت و تطبیق به‌آموزه‌های اقتصادی و مالی اسلام در کسب‌وکار بانکی مرتبط بوده و چنانچه ماحصل فقه معاملات در حوزه‌ی نظام بانکی را قانون عملیات بانکی بدون ربا قلمداد کنیم (که به‌صورت رسمی ملتزم به‌رعایت آن هستیم)، نظارت و تطبیق شرعی، رعایت آیین‌نامه‌ها و ضوابط و مقررات ابلاغی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است که می‌توان این نوع تطبیق شرعی را رعایت حداقلی بر مبنای قانون قلمداد کرد. اما از آنجا که همکاران معتقد و ملتزم شبکه‌ی بانکی اغلب با مبانی مقدماتی عقود اسلامی و احکام آن آشنایی دارند و ممکن است به‌موضوع پیچیده‌ی ربا اشراف کامل نداشته باشند - و حتی در صورت تسلط کامل بر امور فقهی و ربوی، مبنای عملکرد آن‌ها و نظارت و تطبیق ناظران بانکی، به‌قانون عملیات بانکی بدون ربا محدود است - بایستی یک معیار و سنجه‌ی مشخص و حداقلی به‌همکاران داد. نظارت و تطبیق شرعی، اشراف و دقیق شدن بر تراکنش‌های مالی و اعتباری بانک، و ارتباط آن با بخش حقیقی است. یعنی اگر منابع در قالب عقود اسلامی در بخش حقیقی مصرف شود، می‌توان ادعا کرد که نظارت و تطبیق شرعی رعایت شده است.

**سوال دوم: نظارت و تطبیق شرعی را از منظر ابعاد کلان بانکداری کشور و از منظر خرد یا عملیات بانکی تبیین فرمایید.**

با توجه به‌اینکه بانکداری بدون ربا در نظام‌سازی و ایجاد ارتباط با نهادهای مدرن ایجاد شده، در کشور در دو سده‌ی اخیر فاقد مبانی نظری بوده و به‌دلیل به‌رسمیت نشناختن بهره (ربا)، توان ایجاد نظام اقتصادی (علم اقتصادی که در آن بهره به‌عنوان متغیر بنیادی مطرح است) مبتنی بر بهره را ندارد. و با وجود ایجاد تحولات گسترده در نظام تأمین مالی اسلامی، به‌مرز نظام‌سازی نرسیده است. در بُعد کلان و نظام بانکی، نظارت و تطبیق بیشتر جنبه‌ی عقلانی و تجربی داشته و نظارت شرعی، مراحل اولیه‌ی خود را طی می‌کند. تقویت نظارت شرعی در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر و گسترش فعالیت آن در یک سال اخیر، نویدبخش استخراج برخی شاخص‌های عملیاتی در این عرصه است. اما از جنبه‌ی خرد و عملیات بانکی، با توجه به‌اینکه قانون عملیات بانکی فقط به‌بانک بدون ربا و رابطه‌ی بانک و مشتری تمرکز دارد، نظارت و تطبیق شرعی موضوعیت زیادی داشته و با توجه به‌اینکه فقه معاملات از صدر اسلام به‌این روابط مالی و اعتباری پرداخته، دامنه‌ی مطالعات گسترده بوده و کیفیت نظارت نیز مشخص شده است.

برای اینکه نظارت و تطبیق شرعی در عملیات بانکی را به‌صورت کلی تشریح و سنجه‌ای برای رعایت آن برای کارکنان معتقد و ملتزم به‌قانون ارایه دهیم، در این قسمت به‌تبیین فرایند کلی تجهیز منابع، تخصیص منابع و خدمات تهیدی پرداخته می‌شود. در تجهیز و تخصیص منابع از تعریف ربا، یعنی اضافه‌ی مشروط در قرارداد قرض استفاده شده و قراردادهای بانکی به‌نحوی تعریف شده‌اند که در عقد قرض، اضافه‌ای اخذ نشود. ولی در سایر عقود، اضافه‌ی اخذشده بر اساس نوع معامله، فاقد اشکال ربوی است. در بخش تجهیز منابع، ماده‌ی ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، نحوه‌ی اخذ منابع را در قالب دو نوع عقد قرض (الحسنه) و عقد وکالت مشخص کرده است. در این

قانون، عقد قرض به دو بخش قرض الحسنه‌ی پس‌انداز و قرض الحسنه‌ی جاری تقسیم شده و با توجه به مبانی عقدی آن، هیچ‌گونه اضافه‌ای بر اصل به‌مشتري پرداخت نمی‌شود و این نوع جذب منابع، ربوی نیست. عقد وکالت در این ماده برای اخذ سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار تدارک دیده شده و بانک با مشتری قرارداد وکالت منعقد می‌کند تا منابع موکلین خود را در قالب عقود اسلامی سرمایه‌گذاری کرده و بازدهی آن را به‌مشتريان پرداخت کرده و حق الوکاله دریافت کند. بنابراین، در قرارداد وکالت، اضافه‌ی پرداخت شده قطعی نبوده و سود معاملات کسب شده از اقتصاد حقیقی است و بر این اساس فاقد مشکلات شرعی است. بر اساس آخرین آمار منتشر شده، ۲۰ درصد منابع بانک‌ها از طریق عقد قرض الحسنه و ۸۰ درصد از منابع بانک‌ها از طریق عقد وکالت جمع‌آوری شده است. در بخش تخصیص منابع نیز پرداخت تسهیلات در قالب عقد قرض (الحسنه) و سایر عقود اسلامی، یعنی عقود مبادله‌ای و مشارکتی انجام می‌شود. بر اساس عقد قرض، بانک هیچ‌گونه اضافه‌ی مشروطی از مشتری اخذ نکرده و وارد مشکلات ربوی نمی‌شود و فقط مزد کاری را از مشتری اخذ می‌کند که بابت تجهیز و تخصیص انجام می‌دهد. در عقود مبادله‌ای، بانک با مشتری وارد معامله یا مبادله شده و از این طریق سود کسب می‌کند. در عقود مشارکتی، بانک با مشتری وارد مشارکت و سرمایه‌گذاری شده و سهم سود کسب می‌کند. بر اساس آخرین آمار منتشر شده، کمتر از ۱۰ درصد مصارف بانک‌ها از طریق عقد قرض الحسنه و بیش از ۹۰ درصد از مصارف بانک‌ها از طریق عقود مبادله‌ای و مشارکتی انجام می‌شود.

با این مبانی، موضوع ربا در تجهیز و تخصیص منابع از بین رفته و چنانچه مسئولان و متصدیان امور بانکی، ضوابط و مقررات را رعایت کنند، تطبیق و نظارت در عملیات بانکی انجام شده است. در خدمات تعهدی که بخش عمده‌ی آن گشایش اعتبار اسنادی و ضمانتنامه است، بانک فرایندهای بانکداری متعارف را با عقد جُعاله پذیرفته و بابت خدمت تعهدی‌ای که انجام می‌دهد، به‌تناسب ریسک حاکم، کارمزد دریافت می‌کند. بنابراین، در بخش تعهدات نیز رعایت ضوابط و مقررات ابلاغی، مساوی با تطبیق و نظارت در قالب قانون عملیات بانکی بدون رباست. موضوع مهم و پُرچالش در نظارت و تطبیق شرعی، ملحوظ کردن مباحث عقلانی و اصول اخلاقی آموزه‌های دینی در عملیات بانکی بدون ربا با تمرکز بر اصل اساسی و پایه‌ای ارتباط شفاف بین تراکنش مالی و اعتباری بانک با معاملات، مبادلات و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این عرصه است. بانک بدون ربا بایستی با تکیه بر اقتصاد حقیقی، امور خود را پیش برده و از موضوعات غیرعقلانی و غیراخلاقی که در ضوابط و مقررات حاکم بر عقود اسلامی در بانک‌ها وجود دارد، پرهیز کند.

**سوال سوم: معیار اساسی و کاربردی در نظارت و تطبیق شرعی که بایستی در بانک بدون ربا رعایت شود، چیست و همکاران شبکه‌ی بانکی چگونه در تجهیز و تخصیص منابع باید به این موضوع مهم توجه کنند؟**

با داشتن رابطه‌ی یک‌به‌یک بین تراکنش مالی یا اقتصاد مالی با تراکنش مبادلاتی یا اقتصاد حقیقی. بانکداری بدون ربا با رعایت ضوابط و مقررات بانکی و اعتباری و مبنا قرار دادن رسالت اصلی بانک در عقود اسلامی (به‌غیر از قرض الحسنه)، مبنی بر رابطه‌ی یک‌به‌یک بین عملیات بانکی با مبادلات مالی کسب‌وکار در اقتصاد حقیقی، می‌تواند بخش عمده‌ی نظارت و تطبیق را اجرایی کند. اما بخش دیگر، شرعی شدن عملیات بانکی به‌عقلانی و اخلاقی

کردن اجرای قراردادهای و بهروز کردن قراردادهای با نیازهای جدید کسب و کار است. فرایندها، روالها، ساختارها، نهادها و... بانکداری کشور تغییری در مقایسه با قبل از انقلاب نکرده و تنها قراردادهای بانک و مشتری به عقود اسلامی تبدیل شده‌اند. هر بخش از قراردادهای اسلامی که با فرایندهای بانکداری متعارف در تعارض بوده، برای عملیاتی کردن آن، نسبت به تغییر مفاد قراردادهای و غیرعقلانی و غیراخلاقی و در نتیجه غیرشرعی شدن آنها اقدام شده است. مثال روشن آن تبدیل عقود جایز به عقود لازم در عقود مشارکتی، اخذ وثایق و تضامین از شریک در عقود مشارکتی، به رسمیت نشناختن تأخیر در تحقق مشارکت از طرف شریک و اخذ جریمه‌ی تأخیر بابت عملیاتی نشدن مشارکت در سررسید مشخص، دادن وکالت به مشتری برای خریدهای عقد مرابحه، دادن وکالت به مشتری برای فروش در عقد سلف، عدم ارتباط بین سود علی الحساب و قطعی و... است. این موضوعات بایستی با تدابیر و هوشمندی قانونگذار، سیاستگذار و متولیان بانکداری کشور به تدریج مرتفع شوند تا سطح نظارت و تطبیق شرعی در بانکها بهبود یابد.